

«شرق» در گفت وگو با محمد علی سبحانی، سفیر سابق ایران در قطر

به بررسی دلایل تحرکات میانجیگریانه دوحه برای احیای برجام پرداخت

قطر در انتظار چراغ سبز ایران

استقلال سیاسی ما از مواضع آمریکا و اروپا باید در قبال روسیه هم انجام شود

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ روز گذشته (چهارشنبه) محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی، وزیر امور خارجه قطر، به تهران سفر کرد و علاوه بر دیدار با حسین امیرعبداللهیان، همتای ایرانی خود، رایزنی‌هایی را هم با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی داشت. این سفر سکاندار سیاست خارجی قطر پس از شکست نشست دوحه با محوریت مذاکره غیرمستقیم ایران و آمریکا بر سر احیای برجام شد. این می‌دهد که کماتکان قطری‌ها مترصد پیکری دیپلماسی میانجیگرانه برای خروج مذاکرات از بن‌بست فعلی هستند. این در حالی است که بسیاری معتقدند پس از خروجی نشست دوحه عملا فضا در جهت نزدیک‌شدن دیدگاه‌های تهران و واشنگتن به مراتب سخت‌تر از گذشته شده و به دنبال آن احیای برجام و رفع بن‌بست در مذاکرات شرایط پیچیده و بغرنجی به خود گرفته است. از این منظر قطری‌ها با شرایط سخت‌تری در راستای برگزاری دور بعدی نشست بین ایران و آمریکا مواجه خواهند بود؛ به‌ویژه که با وجود ادعای مثبت طرف ایرانی درباره نشست دوحه و احتمال ازسرگیری گفت‌وگوها در دوره‌های بعدی، مقامات آمریکایی عنوان کرده‌اند به‌دلیل مواضع تهران در دوحه دیگر بنا به برنامه‌ای برای مذاکره با ایران در دوحه یا هیچ‌جای دیگری ندارند. حال اینکه در چنین شرایطی به چه دلیل یا دلایلی شاهد این میزان تحرکات دیپلماتیک قطر برای میانجیگری در تنش تهران و واشنگتن هستیم. سؤالی است که «شرق» پاسخش را در گفت‌وگو با محمدعلی سبحانی جویا شده است. در این کپ‌وگفت با سفیر ایران در لبنان، اردن و قطر که سابقه مدیرکلی خاورمیانه وزارت امور خارجه در دولت سیدمحمد خاتمی را هم در کارنامه دیپلماتیک خود دارد، به واکاوی عمیق‌تری از میزان موفقیت دوحه در تعدیل تنش جمهوری اسلامی و ایالات متحده پرداخته‌ایم.

محمد علی سبحانی

امور خارجه قطر و دبیر شورای عالی امنیت ملی را در این راستا ارزیابی می‌کنید؟
ابتدابه‌ساکن معتقدم نقش قطر تنها محدود به نقل و انتقال پیام بین ایران و آمریکاست؛ ازاین‌رو امکان دارد در این سفر هم وزیر امور خارجه قطر پیامی از جانب آمریکایی‌ها برای طرف ایرانی داشته باشد، اما دیدار دیروز محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی به‌عنوان وزیر امور خارجه قطر با آقای شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، امری عادی است؛ کمالینکه مقامات اتحادیه اروپا هم در سفرهای اخیر خود به ایران دیدارهایی با آقای شمخانی داشتند. به هر حال مسائل مربوط به مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام علاوه بر دولت و وزارت امور خارجه به شورای عالی امنیت ملی هم مربوط می‌شود. پس این دیدارها امری عادی در سفرهای مقامات خارجی به ایران است. ضمن اینکه هم قطری‌ها و هم دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این واقعیت غیرقابل‌انکار واقف‌اند که احیای برجام یک مسئله «فرا دولتی و ملی» است. پس تصمیم‌گیری درخصوص آن به نهادهای بالاتر از دولت مربوط می‌شود. از این منظر بدیهی است که وزیر امور خارجه قطر در سفر خود به ایران بخواهد علاوه بر مقامات دولتی و وزارت امور خارجه دیداری هم با دبیر شورای عالی امنیت ملی داشته باشد تا با مذاکره با هر دو بخش دولتی و حاکمیتی در ایران بتواند با اعتمادبه‌نفس بیشتری در حوزه دیپلماسی میانجیگرانه نسبت به احیای برجام و تعدیل تنش بین تهران و واشنگتن کام بردارد. البته تصمیم‌گیری درباره برجام یک مسئله داخلی به شمار می‌آید؛ به همین دلیل قطری‌ها این تصور را دارند که برای نتیجه مطلوب مدنظرشان بهتر است از مذاکره و رایزنی با دولت در ایران عبور کنند.

چرا این تصور نزد دوحه تقویت شده است؟

اگرچه پیش از نشست دوحه و سفر معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران به قطر خوش‌بینی‌ها درخصوص احتمال توافق بسیار بالا بود، اما ناکامی در نشست دوحه و سفر مستقیم آقای باقری به روسیه که به نظر می‌رسد یک سفر محرمانه بود اما با شیطنت روس‌ها علنی شد، اکنون قطری‌ها این ارزیابی را دارند که باید از رایزنی و مذاکره خود را به نهادهایی بالاتر از دولت در ایران بکشانند. البته باز هم تأکید می‌کنم این دیدگاه جدیدی نیست و از گذشته وجود داشته، اما با توجه به اتفاقات چند ماه گذشته اکنون این تصور قدری تقویت شده است.

مشخصا و دقیقا نقش قطر در میانه تنش ایران و آمریکا چیست؛ میانجیگر، تسهیلگر یا میزبان؟ اگرچه عنوان کردید دوحه صرفا در حد پیام‌رسان بین تهران و واشنگتن فعالیت دارد.

همان‌طوره‌که قبلا هم فقط نقش محدود به یک نقش پیام‌رسان است؛ یعنی دوحه سعی دارد با انتقام پیام بین دو طرف (ایران و آمریکا)، مذاکرات احیای برجام از بن‌بست کنونی خارج شود؛ بنابراین قطری‌ها، چه در قالب میانجیگر، تسهیلگر یا میزبان با اشعارف به وزن و جایگاه دیپلماتیک خود از هر ابزاری استفاده می‌کنند که تنش ایران و آمریکا تعدیل شود.
● به همین پاسخ شما به سؤال مهم‌تری بپردازیم. آیا قطر، چه در قالب میانجیگر، چه تسهیلگر، چه میزبان و چه نهایتا پیام‌رسان، می‌تواند به احیای برجام کمک کند؟ چراکه برخلاف ادعای باقری‌کُنی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایرانی درباره رایزنی با طرف اروپایی برای برگزاری دور جدید نشست‌ها، ند پرایس، سخنگوی دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، در نشست مطبوعاتی سه‌شنبه هفته جاری صراحتا عنوان کرد واشنگتن برنامه و بنایی برای برگزاری نشست دیگری با تهران ندارد. در این شرایط شانس و درصد موفقیت قطر برای برجام چقدر است؟

اینکه قطر به پرورنده تنش ایران و آمریکا و احیای برجام ورود کرده است چندان غیرعقلانی نیست؛ چون دوحه از یک طرف به عنوان متحد استراتژیک واشنگتن در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس عمل می‌کند و از طرف دیگر روابط گرم و حسنه‌ای هم با تهران دارد. بنابراین لازمه یک دیپلماسی میانجیگریانه موفق برخورداری از رابطه درست و مناسب با هر دو طرف مناقشه است که قطر در این امتیاز برخوردار است. ضمن اینکه سطح روابط راهبردی قطری‌ها در همه ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، نظامی، دفاعی و امنیتی با آمریکا به گونه‌ای است که شیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر هر لحظه که اراده کند با یک تماس تلفنی با جو بایدن می‌تواند درخصوص مذاکرات برجامی رایزنی کند. به همین دلیل دوحه این توان را دارد که دوباره واشگتن را به سمت برگزاری نشست مجدد با تهران بکشاند، اما این مهم منوط به آن است که قطر بتواند چراغ سبزی را از جمهوری اسلامی ایران برای تغییر نگاهش در مذاکرات بگیرد. پس اگر وزیر امور خارجه قطر در سفر دیروز خود به ایران توانسته باشد نگاه تهران را برای برگزاری نشست دیگری با آمریکا تغییر دهد، علی‌رغم برخی ادعاهای مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه ایالات متحده پس از ناکامی در نشست قبلی دوحه دیگر تمایلی برای برگزاری نشست مجدد با تهران در دوحه یا هیچ جای دیگر را ندارد، به راستی قطری‌ها می‌توانند نشست جدیدی را در دوحه برگزار کنند. اما باز هم تأکید می‌کنم این مسئله تا حد بسیار زیادی به میزان موفقیت قطر در تغییر نگاه ایران ارتباط دارد و باید دید محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی، رئیس دستگاه سیاست خارجی قطر، در سفر دیروز خود به ایران و دیدارش با مقامات کشور تا چه اندازه توانسته در این خصوص موفق ظاهر شود؟ اما مسئله مهم‌تر در پاسخ به سؤال شما مبنی بر اینکه آیا قطر علی‌رغم تلاش میانجیگریانه می‌تواند به احیای برجام کمک کند یا خیر، به باور من قطر نقشی در توانستن یا نتوانستن برای احیای برجام ندارد.

چرا؟

چون موضوع پرورنده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و احیای برجام بسیار بزرگ‌تر از اِثِل قطر است. بله تحرکات میانجیگریانه قطر بسیار مثبت است تا از تصاعد تنش بین تهران و واشنگتن جلوگیری کند و اتفاقا باید ایران و آمریکا از فرصت میانجیگری قطر در جهت حل بحران و اختلافات فنی‌ماین نهایت استفاده را ببرند. لذا باید به هر دو طرف (تهران و واشنگتن) این توصیه را داشت که فرصت پیش‌آمده توسط دوحه را از دست ندهند. این فرصت‌ها یکی پس از دیگری دارد

از دست می‌رود. من به شکل مستقیم در این مصاحبه با روزنامه «شرق» به دولت رئیسی، وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده این توصیه برادرانه را دارم که از دیپلماسی میانجیگریانه قطر در جهت احیای هرچه سریع‌تر برجام و لغو تحریم‌ها برای رسیدن به منافع ملی استفاده کنند. باید از هر فرصتی استفاده کرد. اگر به من باشد که اساسا معتقدم نباید کار به میانجیگری قطر یا هیچ کشور دیگری کشیده شود. چرا ما نباید بتوانیم به صورت مستقیم و بدون هیچ‌گونه واسطه و میانجیگری با طرف اصلی مناقشه یعنی آمریکایی‌ها گفت‌وگو کنیم؟ ما در جایی که منافع ملی ایجاب می‌کند باید با هر طرفی بتوانیم مذاکره کنیم. ببینید گفت‌وگو، مذاکره و دیپلماسی فی‌نفسه امری مثبت یا منفی نیست، بلکه ابزاری است در جهت تحقق منافع ملی که بهترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال کوتاه‌ترین مسیر برای تحقق منافع ملی است. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم به نقش مخرب روسیه بازمی‌گردد. اگر واقعا مسکو به دلیل منافع خود در جنگ اوکراین با هر دلیل دیگری، احیای برجام و لغو تحریم‌های ایران را خلاف منافع ملی خود می‌داند، دلیل نمی‌شود که جمهوری اسلامی بخواهد از خود را پیش پای منافع روسیه و پوتین قربانی کند. همان‌گونه که ما با استقلال سیاسی در برابر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها رفتار می‌کنیم باید برای تحقق منافع ملی در برابر روسیه هم بایستیم و از نقش‌آفرینی مخرب و منفی کرملین در نشست دوحه، نشست وین، احیای برجام و لغو تحریم‌ها جلوگیری کنیم. ما برای منافع ملی نباید با هیچ کشوری تعارف داشته باشیم؛ جایی که منافع ملی، مصالح مردم و امنیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد نباید به روسیه، چین یا هیچ کشوری اجازه دهیم پای خود را از گلیزشان درازت کنند؛ به‌خصوص آنکه حافظه و سابقه تاریخی روسیه با ملت ایران بسیار منفی است. پس بهتر است روس‌ها به نحوی عمل نکنند که حافظه مردم ایران نسبت به رفتارهای آنها بیش از پیش منفی و بدتر شود و پرورنده اعمالشان نزد ملت بزرگ ایران سیاه‌تر از این که هست بشود. البته همه این مسئله به خود ما و نحوه رفتار و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی بازمی‌گردد. تهران باید یک سیاست خارجی مستقل و قدرتمندِ ایرانی، ایرانی و فقط ایرانی داشته باشد.
● آن‌گونه که به نظر می‌رسد پس از قطع روابط عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر با قطر و تحریم زمینی، هوایی و دریایی این کشور عملا دوحه نوع دیپلماسی هوشمند، منططف و همه‌جانبه را با تمام بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دستور کار قرار داده است. به این معنا که ضمن تقویت روابط با جمهوری اسلامی ایران و تعریف مناسبات راهبردی با آمریکا، سعی دارد روابطی متقابل را با ریاض، ابوظبی، منامه و قاهره شکل دهد. آیا این دیپلماسی هوشمند شیخ تمیم که اتفاقا در زمان حضور شما در قطر هم بروز و ظهور پیدا کرد، توان ادامه خواهد داشت؟ چراکه بسیاری معتقدند در سایه سفر بایدن به خاورمیانه و گرم‌شدن روابط سرد ریاض – واشنگتن، سعودی‌ها جای قطری‌ها را خواهند گرفت.

من از نزدیک با شیخ تمیم دیدار داشته‌ام. ایشان به واسطه تجربیاتی که بعد از قطع روابط عربستان و سه کشور امارات، مصر و بحرین داشتند، سعی کردند یک دیپلماسی هوشمند را اجرائی کنند و به همین دلیل توانست کشور خود را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهد. شیخ تمیم در این سال‌ها با این دیپلماسی توانسته است وزن و جایگاه قطر را در منطقه و جهان افزایش دهد؛ از یک طرف میزبانی جام جهانی، از طرف دیگر میزبانی مذاکرات طالبان و آمریکا، اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متقابل در برابر ریاض، ابوظبی، منامه و قاهره و همچنین تبدیل‌شدن به متحد استراتژیک ایالات متحده در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد این دیپلماسی تا چه اندازه موفق بوده است. این ویژگی تنها مختص به قطر و عمان است که توانسته‌اند به صورت هم‌زمان هم روابط خوبی با ایران داشته باشند و هم به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه ظاهر شوند. بنابراین بعید است عربستان بتواند در سایه این دیپلماسی هوشمند قطری‌ها، خللی در مسیر دوحه ایجاد کند.
● سؤالات خواندیم. شما نشست پیشین دوحه را شکست قلمداد می‌کنید؟ خیر. من نشست قبلی دوحه را شکست نمی‌دانم، بلکه باید به آن در قالب یک «توقف موقت» در مذاکرات نگریست.

درمقابل نقش مثبت و سازنده قطری‌ها ذیل تحرکات میانجیگریانه دوحه برای احیای برجام و تعدیل تنش تهران – واشنگتن برخی معتقدند قطر اساسا به دنبال تداوم تنش «مدیریت»‌شده بین ایران و ایالات متحده است تا بتواند در گرو این وضعیت منشست و پیچیده منافع خود را به‌خصوص در حوزه‌های اقتصاد و انرژی کسب کند؛ کمالینکه در کشاکش اعمال تحریم‌های آمریکای و محدودیت عملکرد دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران، قطری‌ها قراردادهای بسیار گسترده‌ای با شرکت‌های توتال فرانسه، اکسون‌موبیل، کونوکو فیلپس آمریکا و انی ایتالیا برای توسعه میدان‌های گازی را در دستور کار قرار داده‌اند. در سایه همین قراردادهاست که بلومبرگ پیش‌بینی کرده درآمد قطر از صادرات گاز سال جاری میلادی به ۱۱۴ میلیارد دلار برسد و به‌زودی آمریکا را پشت سر گذاشته و اصلی‌ترین مالک شیر نفت فله‌ک گاز جهان شود. نکته مهم‌تر اینجاست که قطر در این رابطه نیم‌نگاهی جدی به منابع و میدان‌های گازی مشترک با ایران به‌خصوص پارس جنوبی (گنبد شمالی) هم دارد. با چنین برداشتی نباید در حسن نیت دوحه برای سفر به تهران و ادعای میانجیگری قطری‌ها برای احیای برجام شک کرد؟

در جواب این سؤال مهم شما باید به دو نکته اشاره کرد؛ اولا یکی از مهم‌ترین اشکالات و ضعف‌هایی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، این است که ما هیچ‌گاه نتوانستیم با هیچ کشوری «روابط استراتژیکی» برقرار کنیم.

حتی با چین و روسیه؟

حتی با چین و روسیه، متأسفانه این ضعف مربوط به این دولت یا دولت سابق نیست، بلکه این اشکال ساختاری است که نتوانستیم حتی با کشورهای منطقه‌ای و همسایگان خود هم روابطی در حد «راهبردی» تعریف کنیم. البته در مقطعی در زمان ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی و دوران اصلاحات



محمد علی سبحانی

توانستیم به این سمت حرکت کنیم و سیاست خارجی را در مسیر ایجاد روابط مستحکم با همسایگان خود پیش ببریم، ولی متأسفانه در دولت‌های بعدی این نگاه امتداد پیدا نکرد. بنابراین نباید این غلط مصطلح در عالم رسانه یا تحلیل کارشناسی را بپذیریم که چون برخی از کشورها روابط نسبتا خوبی با ایران دارند به روابط آنها با جمهوری اسلامی برچسب «روابط استراتژیک» بزنیم. در علم سیاست خارجی، روابط استراتژیک دارای چارچوب و اقتضانات خاص خود است و چون ایران روابط راهبردی با هیچ کشوری ندارد، بدیهی است که هیچ بازیگر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هم منافع تهران را مقدم نمی‌داند. نکته دوم در پاسخ به سؤال قبلی شما به قطر بازمی‌گردد، اگر بخواهیم به‌طور خاص روی مسئله دیپلماسی انرژی قطری‌ها و تلاش دوحه برای استفاده از منابع مشترک با ایران تمرکز کنیم، باید گفت کل بودجه و درآمد کشور قطر بر روی صادرات گاز استوار است و دیگر مسائل مربوط به حوزه انرژی در اولویت‌های بعدی این کشور قرار دارد. پس مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی قطر، دیپلماسی انرژی خواهد بود و مهم‌ترین مسئله دیپلماسی انرژی قطر هم صادرات گاز این کشور است.

در همین راستا قطری‌ها یک سیاست هوشمندانه را در راستای منافع خود برای استفاده از منابع مشترک گازی با ایران به کار بسته‌اند؛ چون براساس قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل هر کشوری حق دارد قراردادهای تجاری با شرکت‌های بین‌المللی در حوزه انرژی به امضا برساند. مضافا تا آنجایی که اطلاع دارم هیچ ماده قانونی هم برای بهره‌برداری نکردن از منابع مشترک با دیگر کشورها وجود ندارد که بخواهد قطری‌ها را از بهره‌برداری از منابع مشترک با ایران منصرف کند یا برعکس، ایران نتواند از حوزه‌های مشترک گازی خود با قطر استفاده کند؛ کمالینکه ما در همان دوران آقای خاتمی و در دوره اول وزارت آقای زنگنه توانستیم از برخی منابع مشترک خود با قطر استفاده کنیم تا جایی که حتی ما تا دو برابر سهم خود برداشت کردیم. این گفته خود آقای زنگنه است که در دیدار دونفره‌ام با ایشان مطرح شد. آن زمان، از جانب ما و قطر هیچ‌گونه اعتراضی شکل نگرفت. پس اگر امروز قطری‌ها با قراردادهای کلان و بی‌سابقه در حوزه گازی با قطر همکاری، پس این دست سؤالاتی مانند سؤال شما که سعی دارند صادرات گاز خود را به جهان افزایش دهند، نباید دوحه را مقصر دانست، بلکه این اشکال مستقیما به خود ما و کم‌کاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی بازمی‌گردد. به‌صراحت در گفت‌وگو با «شرق» می‌گویم این ناتوانی ماست که نمی‌توانیم با یک دیپلماسی موفق، احیای برجام و لغو تحریم‌ها قراردادهای جدیدی را با کمپانی‌های بزرگ مانند توتال، انی، اکسون‌موبیل ... منعقد کنیم. پس این دست سؤالاتی مانند سؤال شما که فرافکنی است که بخواهیم دوحه را مقصر جلوه دهیم و عنوان کنیم قطر به دنبال سوءاستفاده از تنش ایران و آمریکا و احیانشدن برجام برای بهره‌برداری از منابع مشترک گازی با ما است. اتفاقا ما باید این سؤال را از دولتمردان بیرسیم که چه کسی مانع استفاده و بهره‌برداری شما از منابع مشترک گازی با قطر شده است؟ آیا قطری‌ها مانع شده‌اند یا ما توان بهره‌برداری از این منابع را نداریم؟ ما باید برای حل مشکل، یک دیپلماسی منطقی، هوشمند و منعطف را در دستور کار قرار دهیم تا با احیای برجام، لغو تحریم‌ها و در نهایت انعقاد قراردادهای بزرگ با کمپانی‌های بین‌المللی بتوانیم در حوزه دیپلماسی انرژی موفق ظاهر شویم. آن زمان می‌توانیم حتی چند برابر قطر هم از منابع مشترک استفاده کنیم و دوحه هم نمی‌تواند در این زمینه اعتراض کند. ما این قدرت را داریم؛ چراکه ما با یک توان بی‌نظیر در حوزه انرژی می‌توانیم سهم، جایگاه و وزن خود را در بازار جهانی ارتقا دهیم. سایلین‌حال، زمانی که بودجه و هزینه‌ای برای اکتشاف وجود ندارد، دانش و ابزارآلات به‌روز برای استخراج در اختیار نداریم و در کنار آن تحریم‌ها و سیاست فشار حداکثری آمریکا هم مانع از همکاری کمپانی‌های بزرگ حتی کمپانی‌های چینی و روسی با ایران در حوزه انرژی می‌شود، قطعاً ما در این شرایط گرفتار خواهیم بود و همسایگان هم از این وضعیت در جهت منافع خود استفاده خواهند کرد. هیچ کشوری منظر نمی‌ماند که ببیند ایران از منابع خود استفاده می‌کند یا خیر؟ ما در یک رقابت و مسابقه به سر می‌بریم؛ هرگونه کم‌کاری، اهمال و ندانم‌کاری از جانب هر شخص و نهادی قطعاً به ضرر منافع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اتفاقا من روی این مسئله بسیار حساس هستم و به همین دلیل زمانی که به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در قطر خدمت می‌کردم، هرگونه تلاشی را به کار بستم تا بتوانم یک رابطه متقابل و مشترک با دوحه در جهت استفاده از منابع مشترک گازی ایجاد کنم؛ اما متأسفانه تحریم‌ها و سیاست فشار حداکثری، به این فرصت را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد و نه به قطری‌ها که این همکاری دوجانبه و مشترک شکل بگیرد. من در همان زمان وقتی با وزیر نفت قطر دیدار داشتم، ایشان به‌صراحت عنوان می‌کردند اگر بخواهیم با جمهوری اسلامی ایران قرارداد مشترکی در حوزه انرژی داشته باشیم، بی‌شک علاوه بر فشارها و تحریم‌های آمریکا، با قطع همکاری کمپانی‌های بزرگ مواجه خواهیم شد. پس مشکل اصلی به تحریم‌های ایران بازمی‌گردد؛ ما باید در وهله اول زان‌بار، خسارت‌ها را به‌طور کامل برای احیای برجام و لغو تحریم‌ها در دستور کار قرار دهیم. بنابراین باید گفت بهره‌برداری قطر از میدان مشترک با ایران هم جزء ضررهای فراوانی است که در نتیجه تأخیر دولت سیزدهم، وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده برای احیای برجام به کشور و مردم ایران تحمیل شده است؛ ضررهایی که در مجموع قابل شمرش نیستند. ما متأسفانه به دلیل فقدان روابط با جهان و ناشستن مناسبات درست به تحریم‌های ایران بازمی‌گردد؛ ما باید در وهله اول زان‌بار، خسارت‌ها و ضررهای دست‌وپنجه نرم می‌کنیم که بار اصلی آن بر دوش ملت است، البته باید یادآور شوم که این نکات من به معنای تطهیر قطر و حمایت از دوحه نیست، بلکه سعی دارم با تبیین درست موضوع، چرایی انعقاد قراردادهای بزرگ قطر با کمپانی‌های بین‌المللی و تلاش برای استفاده از منابع مشترک با ایران را شرح دهم؛ بنابراین به جای اینکه قطر را مورد حمله و انتقاد قرار دهیم، باید این سؤال و آسیب‌شناسی را از عملکرد ایران داشته باشیم که چرا نتوانسته‌ایم همپای قطر و دیگر کشورها در حوزه دیپلماسی انرژی موفق ظاهر شویم؟